



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۳۱

ف، هیرمند

جهان بعد از کرونا جهان متفاوتی خواهد بود...؟؟

آیا ما در یک مرحله انتقالی جهانی به سر میبریم...؟؟ آیا نظام های اجتماعی - سیاسی که تا حال با آن سر و کار داشته ایم، جا خالی میکنند...؟؟ نئولیبرالیزم، فاز سرمایه داری عریان و بی حیا که نه به انسان رحمی میکند و نه به طبیعتش، آیا ما باز در کوچ کشی یک دوران دردناک گذرا، خورد و خمیر می شویم...؟؟

گرچه جهانی شدن، با گرایش های روانپزشانه ای، ناسیونالیزم مغرضانه دول سرمایه داری و ابزار اجرایی آن - پوپولیسم یا عوامزدگی - بر این جهانیت درز های وارد آورد اما، وابستگی های ملموس و ناملموس مناطق مختلف دنیا به اثر نظام تولید سرمایه داری - که تمام انسان های سیاره را در قفس مصرف گری انداخته است - نشان داد که در فاجعه های بزرگ انسانی، جهانی شدن هنوز گریبان سازندگان آنرا رها کردنی نیست.

درست است که انسان جوامع غارت شده در نظام تولیدی بزرگ جهانی چندان نقش بارز نه داشته باشد ولی مصرف کننده محصولات نظامش که است، از همین مجرا است که سرنوشت این انسان مصیبت زده در اول لست آسیب های جهانی درج می باشد؛ وقتی دولت چین این حاکم و سرمایه دار در بازار های جهان می گوید که « وجود ویروس کووید ۱۹، در برون چین نیز منافع ما را تهدید میکند...» - اینکه چین به چه نیت و تاکتیکی این مطلب را اعلام نموده منظور ما نیست - مقصد از وجود یک حقیقت در این مطلب است؛ دنیای ما چنان به هم تاو و پیچ خورده است که ناسیونالیزم حار و پوپولیسم دهن کف کرده، جلوش را گرفته نمی تواند، حتی اگر علت بروز ویروس کووید ۱۹ نظام عقب مانده و عنعنه یی غذایی "هونان" هم باشد، باز نفوس کشور های غارت شده اند که بهای آنرا با مرگ و تباهی گسترده خواهند پرداخت، گریه و زاری کردن که "...هله هله مُردیم..." نباید غافل ما بنماید که چگونه در برابر عروج و تهاجم وسیع مرگ مقاومت کنیم و - اگر از تکاندن ویروس کووید ۱۹ عبور کردیم - نیز چه فردای را پیش رو خواهیم داشت، گرچه ما کمتر عادت داریم به نسل های آینده فکر کنیم و به مسئولیت خویش برای آنان بی اندیشیم، ولی باز هم حد اقل بدانیم فردایی ها در چه دنیای زندگی را حمل خواهند نمود.

فعلاً ویروس کووید ۱۹ در حال هجوم و پیشروی است، بدون شک قربانیان زیادی را از سرزمین های عقب ننگه داشته شده خواهند گرفت، چون این سرزمین ها از قبل آنچه که برای وقایه و مدافعه داشتند را از ایشان دزدیده اند، آسیب پذیر ترین های این ویروس مناطق پناهنده نشین مانند پناهجویان هموطن ما در پاکستان، پناهجویان مستقر در سرحدات ترکیه و یونان، پناهجویان سوریبایی مقیم لبنان و باز هم پناهجویان جنگ های سوریه و منطقه در خود سوریه و بعضاً عراق خواهند بود.

کشور های عقب مانده که فاقد امکانات کافی وقایه و معالجه اند، ممکن است، به اندازه قریب به تعداد مناطق آسیب پذیرترین، صدماتی را متحمل شوند.

ولی کشور های که دولت و طبقات صاحب اقتدارش به فکر خوب و بد وضع اکثریت آنجا نیستند، طبقات و اقشار نادرشان، امروز با تفاوت کمی از وضع مردم سرزمین های عقب مانده در برابر کووید ۱۹ قرار خواهند داشت. همین حالا بحران ویروس کرونا چرخ اقتصاد تکنولوژی های بزرگ دنیا را مختل و بعضاً فلج کرده است و این پروسه مختل سازی هنوز در اول راه است، در دنیای پر سر و صدای ما چنان چپاچپی است که گویی همه زندهگان به خواب رفته اند و یا طبیعت خسته و مصدوم از بی رحمی منفعت جویی، کمی دم راست میکند.

دوران ما از لحاظ سرعت رشد تحولات تاریخی صریح ترین دورانی است که تا حال انسان در حیات خود آنرا دیده است، (گرتموت روزا "شتاب زمان"). این اصل یا خصلت حرکی تحولات تاریخی، حالت ناگزیری را مطرح میکند که گاهی تحولات عینی تاریخی، حتی از محاسبات ذهنی و سنجش های تخیلی ما پیشی میگیرد. پس آنچه که در باب آینده پس از کرونا می خوانیم با وجود رعایت قواعد ارزیابی علمی، حایز نسبییت های منطقی تاریخی خواهند بود. در این زمان که حرص و آز بر ارواح و استراتژی ها حکم میراند، چه مسخره به نظر خواهد رسید که نام از "انسان" و "انسانیت"ش بر زبان آورند، حالا تمام دنیا، برای حاکمان سیاره به آزمایشگاه مبدل گشته است، سیاره به میدان تاخت و تاز رقابت این غول های اقتصادی و تکنولوژیک مبدل گشته است که بر سر هژمونی و رهبری و

گویا تصاحب سیاره در خفا و آهسته آهسته شاخ به شاخ گشته اند، انسان لاچار، همچو صید در حال نجات و فرار، به این رقباء با نگاه های آکنده از حیرت و ناآشنایی می نگرند، هنوز باور ندارد که در چنین وضعیتی که او در تقلا برای زنده ماندن دست و پا میزند، آن غول ها در چرت غارتش اند؛ در امریکا کمپنی های تولید آله تنفس مصنوعی در بالا بردن قیمت آن، با هم به رقابت پرداخته اند، چه شکوهی دارد این رقابت در درجه بلند ناانسانی بودنش، عده ای محدود از ما افغان ها که به نحوی وارث همین متحد بین المللی خود انگاشته می شویم، افزایش نرخ تکت پرواز دهلی و کابل به ۵۰۰ دالر توسط مالک "کم ایر" کم بی شباهت نیست در بی ارزش انگاری حیات انسان در برابر کسب منفعت...

تا هنوز پایان این تراژیدی سرتاسری انسانی معلوم نیست، اما زنگ خطر عظیمی که به صدا در آمده است، به اضافه مرگ و میر وسیع آدم ها، بحران عمیق اقتصادی بعد از بحران کووید ۱۹ خواهد بود. به همین سبب دانشمندان و سوسیولوگ ها، امروز مصروف و سرگرم پژوهش در این زمینه اند که آن سوی تنگنای مرگبار کووید ۱۹ چه دنیای در انتظار ما نشسته است، موضوعی که این تحقیق در حد توان به آن پرداخته است. محققان و جامعه شناسانی نظرات کلی در این باب گفته اند:

«ادگار مورن، فیلسوف، جامعه شناس شهیر فرانسوی و جهانی که وارد صد سالگی اش شده ولی مثل جوانان ۶۰ ساله بحث می کند، می گوید... "بی نهایت غم انگیز خواهد بود که اگر از این بحران عظیم یک تفکر سیاسی که راه نوری را نشان بدهد، بیرون نشود". ادگار مورن در توییت دیگر حرف اول این تفکر سیاسی را برای ما پی می ریزد: «ویروس با کشتن ما نولیبیرالیسم را می کشد.»

جنیفر فینی بویلان در نیویارک تایمز نوشته است که: «جهان پیشا کرونا دیگر برگشتنی نیست. در این شرایط، به رهبرانی علم گرا، حقیقت بین، معنویت گرا و حساس به درد دیگران، نیازمندیم، نه نژادپرستانی چون ترامپ...» "میشل سر Michel Sarre" در کتابش زیر عنوان "فصل بحران Temps des crises" می نویسد: «... در مورد درمان شدن چه می توان اندیشید؟ اینکه هرگز به معنی بازگشت به گذشته نیست - اصطلاح اعاده سلامتی غلط است و حالت پیش از بحران را باز نمی گرداند - چون چنین بازگشتی دوباره، مثل دور تسلسل به سوی بحران تحول پیدا میکند، بنابراین درمان شدن حالت جدیدی را نشان می دهد که با مصرف جدید، برای ارگانیزم پیدا شده است. بحران، بدن را یا به سمت مرگ می راند یا به سوی حالت تازه ای که بدن به اختراع آن واداشته می شود...»

"سر" معتقد است که هر بار بحرانی پیش می آید، حتماً آستان یک دوران جدید دیگر است که با دوران ماقبل خویش متفاوت خواهد بود، خواه این تفاوت ها خیلی بارز و مشهود باشند و یا کمتر متبازرو غیر مشهود محسوس گردند، ولی به مرور زمان خود را برون آورده و با اثرات خویش، حضور خود را نشان خواهند داد.

لوموند دیپلوماتیک مؤرخ ۲۰ مارچ ۲۰۲۰ در باره پاندمی کروناویروس، نوشته هوشدار دهنده ای از "ژاک اتلی" اقتصاددان و اندیشمند معروف فرانسه به نشر سپرده است که نکاتی از آن را در این جا اقتباس می نمایم: «امروز در جهان هیچ امری عاجلتر از مدیریت و کنترل دو سونامی عظیم نمی باشد: سونامی صحتی و سونامی بحران اقتصادی ناشی از آن، که در کمین واژگون کردن جهان نشسته است و تا حال ضمانتی وجود ندارد که بر آن فایق آنیم اگر در برابر آن شکست بخوریم سال های تیره ای در انتظار ما خواهد بود، حالت وخیم آن نیز قطعی نیست و جهت زدودن آن باید به دور ها نگاه کرد به زمانه های دور عقبی و دور پیش رو، برای فهم آنچه که ما در آینده با آن مواجه خواهیم بود

از هزار سال به این سو هراپیدمی (پاندمی) گسترده تحولات اساسی را با خود به دنبال داشته است؛ تحولات در سیستم سیاسی ملل، در فرهنگی که متمایل به همان سیستم بوده است، به طور نمونه - بدون شرح پیچیده گی تحولات تاریخ - طاعون بزرگ قرن چهاردهم یک سوم نفوس وقت اروپا را محو کرد و تقلیل داد و سهم مفرطی در کاهش نفوس قاره اروپای پیر گرفت؛ به جای محتسب مذهبی، پولیس اداره حکومت به وجود آمد به حیث یگانه وسیله مطمئن امنیت افراد. دولت مدرن و روح تمایل علمی، متولد شدند، اینها به حیث ثمرات همان تکان ناشی از تراژیدی گسترده صحتی طاعون بزرگ بودند. این ابعاد جدید، از منبعه واحد سرچشمه می گرفتند آن منبعه کاهش سلطه سیاسی مذهبیون و کلیسا در امور سیاسی بود زیرا این ها در امر محافظت جان انسان ها در برابر پاندمی عاجز آمدند و حتی در توجیه و تشویق مردن نقش ادا کردند، پولیس ها جایگاه کشیشان را گرفتند.

همچنان در اواخر قرن ۱۸ اطباء به حیث مؤثرترین وسیله، در برابر مرگ ناشی از ایبیدمی جایگاه محتسب ها را گرفتند. به این صورت حاکمیت چند قرنه مبتنی بر اعتقادات، پشت سر گذاشته شد، حاکمیتی که قسماً بر نیروی روحانیت قرار داشت، پس از آن یک نظام شفافی که بر دولت حقوق بنا گشته بود ایجاد شد.

می توان باز هم مثال های زیبایی ارائه نمود که: هرباری که یک پاندمی یک قاره را مصاب ساخته است به دنبال آن باعث بی اعتبار سازی و کم اعتبار گردانیدن نظام اعتقادی و حذف و یا کاهش کنترل آن گردیده است، زیرا آن نظام نتوانسته بود، مانع مرگ تعداد بی شمار انسان ها گردند: آنانی که زنده ماندند، به انتقام از رهبران مذهبی، سلطه روحانیت را فروریختند.

امروز نیز اگر حاکمیتی که در غرب مستقر است، بر این تراژیدی جهان شمولی که آغاز گردیده است فایق نه گردد و در برابر آن کوتاه بیاید، تمام نظام حاکمیت و ایدئولوژی که بر آن بنا گذاشته شده است، زیر سوال خواهد رفت و بعد از سپری نمودن یک دوران تیره و تار و مبهم، ممکن است، به عوض این نظام، مدل دیگری به وجود آید که برحاکمیت نوع دیگر، اعتماد دیگر و ارزش های جدید مستقر خواهد بود، به عبارت دیگر تمام نظام حاکمیتی که بر رعایت و مواظبت حقوق فردی بنا یافته، ممکن است از هم بپاشد و همزمان با آن دو مکانیزم دیگر یعنی نظام بازار و دموکراسی نیز ناکافی و نامنطبق به وضع پیش آمده و انمود گردد، کنترل و مدیریت این مقطع ابزار و تجربه اداره مدبرانه را نیاز خواهد داشت تا انسجام تحول حفاظت گردد، این روش ممکن خواهد ساخت تا حقوق فردی نیز تا حدودی محترم شمرده شود...

اگر سیستم های غربی در امر مدیریت و کنترل معضله عظیم فعلی عاجز آیند، نتیجه آن خواهد شد که ما خواهیم دید به جای آنها نه تنها رژیم های قدرت محور و بازرس به حاکمیت راه خواهند یافت بلکه از تکنولوژی هوشمند مجازی به صورت مؤثر جهت استقرار و تداوم حضور خود نیز استفاده خواهند کرد.

در مهنتن هر شخص نمی تواند بیشتر از دو خریطه برنج خریداری کند، خوشبختانه این رویداد یکی از درس های دیگری که این بحران میدهد این که: تمنای زنده ماندن و آرزوی زندگی کردن همیشه نیرومندترین است و بالاخره انسان همه موانعی را از سر راه اش بر میدارد، موانعی که ممکن است، در مراحل بحران سبب غیابت او بر زمین و سیاره گردد.

زمانی که پاندمی دور شد، لحظه تولد فرا خواهد رسید البته بعد از یک دوره ضعف عمیق و فقدان نیرو، به دوره ای مواجه خواهیم بود که قدرت به آهستگی جا به جا گردد، ورقی از تاریخ که به آهستگی و راحتی برگشته خواهد شد، در صفحه بعدی چه خواهد بود...؟ : دوران یک مشروعیت جدید؛ حاکمیتی که نه بر اعتقادات، نه بر قدرت، نه بر اسباب دیگر منجمله - بدون تردید - نه بر پول - علتی که به صورت نهایی تغییر شکل خواهد داد - و قدرت سیاسی کارش را از مبده ای آغاز خواهد کرد که حواجی و تمایل دیگران همه آنرا مسیر میدهد، بخش اقتصاد فرو ریخته نیز به خواسته دیگران طی طریق خواهد کرد، در سکتور صحت، در سکتور شفاخانه ها، سکتور مواد غذایی، تعلیم و تربیه، حفظ محیط زیست، و سرعت رشد شبکه های بزرگ تولید و گردش انرژی و نیز توسعه معلومات ضروری برای هر بخش و رشته.

و مردم از اشیای غیرضروری و برون از حواج اولیه، یا خرید را متوقف خواهند ساخت یا سرعت خرید خویش را کند خواهند نمود و توجه به مواد و اشیای اساسی زیستی بیشتر معطوف خواهد گردید. اشیای که نیاز فوق العاده به آنها در سیاره ما خواهد بود، اشیای که ما آنها را مواد و لوازم نادر و سنجیده شده در زمین ما تشخیص خواهیم کرد. نقش ما آن خواهد بود تا جهان از این دوره انتقالی به صورت هر چه ممکن نرم برون آید و نه یک مزرعه ویران. هرچه به سرعت این استراتژی را جاگزین نمایم به همان سرعت از پاندمی خارج خواهیم شد و نیز از بحران هیبتناک اقتصادی که به دنبال آن خواهد بود»

این بود اقتباسی ترجمه ای از نوشته "ژاک اتلی" که در بالا آورده شد.

لوموند در باره نوشته موصوف تیصره میکند که: "ژاک اتلی" در این مؤلفه هوشدار میدهد که "رابطه ما بعد از کرونا با مدار جهانی خواهد بود که با دنیای فعلی ما جداً تفاوت خواهد داشت..."

تخمین میگردد که مرحله بحران بیماری ویروس کووید ۱۹، مرگ و میر بی مانندی را به دنبال خواهد داشت، فقر و گرسنگی بخصوص برای مناطق فقیر نشین دنیا گسترده تر خواهد شد، فابریکه گک های کوچک و متوسط دگر از نفس کشیدن خواهد افتاد و صنایع بزرگی که دگر محاسبات منفعت آور نداشته باشد، متوقف خواهد شد و یا اگر قبلاً توقف نموده باشد مجدداً آغاز به فعالیت خواهند کرد و نیز به علل متعدد نامشخص، فعالیت های سکتور های مختلف باز خواهد ایستاد این اینها همه باعث بیکاری گسترده کارگران در سراسر جهان خواهد گردید، به علل و سبب کاهش تولید، امتعه گران تر به بازار عرضه خواهد شد، نبود پول و ناتوانی قوه خرید نیازمندان، دوران اقتصادی کندتر خواهد شد. کشور ها و نظام های که برای حیات اقتصاد ناتوان خود متکی به کمک های دول دونه اند، روز های ناخوشایندی را پیش رو خواهند داشت.

کندی و دوران نفاقت اقتصاد جهانی، چاقوی ناسیونالیست های کپیتالیست را دسته میدهد و ممکن سعی نمایند در انزوای بیشتر کشور ها از این وضع نفع ببرند و نیز احتمال دارد، عده ای از کشور ها از دوران بحرانی هجوم ویروس کووید ۱۹ درس گرفته و متوجه ناگزیری وابستگی های جهانی گردیده باشند، حرف آخر اینکه لازم خواهد بود بشریت برای یک دوران سخت پیچیده و پر از تنگنا های شناخته و ناشناخته آماده باشد. پس بعید نخواهد بود که ما در مرحله انتقالی به سر می بریم که شاید در گذشته تاریخ بشر چندان سابقه نداشته است.

دشوار و خیلی دشوار است انسان امروز که در بند هیولای عجیبی افتاده است، برای فردایش مثل هر بحران اجتماعی-سیاسی پیشینه، خط اندازی و مرزبندی ها را فهرست نماید، تازه ما نمی دانیم صف بندی های اجتماعی-سیاسی فردا ها میان انسان های مظلوم و شاید غارتگران جدید الهویتش چگونه آراسته خواهند گشت.

تشخیص فرآورده های این دو بحران صحتی و اقتصادی سهل نیز نخواهد بود، ولی آدم ها همانند همیشه در تقلاى نظام و جامعه ای اند که رعایتش کند که به صورت بنیادی تمام عوامل برابری اصیل میان آنان را به میان آورند، انسان ها طی قرون متمادی بالخصوص در این اواخر به صورت عریان و علنی به مظلومیت و قربانی بودن عادت داده شدند، هم در ساحت زندگی مادی و نیز در حوزه زندگی معنوی؛ اگر نانش دزدی گردید و خانه اش تصرف شد، به ادامه حیات در فقر به مجادله ادامه داد. معنویت او، فرهنگ، حرمت به وقار، حقوق و حیثیتش نیز به شیوه های گوناگون نیز زیر پا گردید، شناخت انسان کنونی از لازمه های طرز حیاتی که مستحق و شایسته آن است، مثل انسان های قرون گذشته نیست، او باید برای ایجاد آن شیوه زندگی مطلوب خود سعی و مبارزه نماید.

انسان فردا مثل هر دوره از تاریخ بشر در برابر سد های مختص دوراننش قرار خواهد داشت، اما قادر خواهد گشت، پیش برود، انسان قادر است انسانیت پس از بحرانات متعدد صحتی و اقتصادی را مرتفع تر بنگرد و برایش تعریف دگر و اخلاق شاید والاتر ایجاد کند.

پایان